

عینیت‌گرایی در حسابداری

زهرا جودکی چگنی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
Z.h.r.joudaki@gmail.com

چکیده

همه رشته‌های علوم اجتماعی از جمله حسابداری را می‌توان با توجه به مفروضات مرتبط با ماهیت علم و بر اساس دیدگاه مبتنی بر قضاوت عینی یا ذهنی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این پژوهش، مساله عینیت و عینیت‌گرایی با کنکاش دیدگاه اندیشمندان به بسط متون در این زمینه می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ روش، مروری و به ارزیابی پژوهش‌هایی که در گذشته انجام شده می‌پردازد. نتایج پژوهش حاضر موید این مطلب است که واکاوی عینیت، شناخت مناسبی از ابعاد ذهنی و عینی حسابداری را به همراه دارد. برخی از نظریه‌پردازان حسابداری با به کارگیری دیدگاه‌های موجود در فلسفه در پی پاسخ به این موضوع چالش‌برانگیز بوده‌اند. در این نوشتار با به کارگیری دیدگاه بازنگرایی به ارائه عینیت‌گرایی در حسابداری مبتنی بر باورهای فلسفی پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: عینیت، ذهنی، عینیت‌گرایی، بازنگرایی.

مقدمه

عینیت، عقلانیت و برپایی بحث منطقی درباره آنها، یکی از موضوعاتی است که در نظریه‌های حسابداری و میان اندیشمندان آن مطرح است. در ادبیات حسابداری بر پایه اندیشه‌ها و نظرات فلاسفه امروزمین در پهنه فلسفه ذهن، فلسفه زبان و فلسفه علوم اجتماعی دو دیدگاه بازنگرایی و دیدگاه ضد بازنگرایی برای موضوع عینیت‌گرایی ارائه شده است. برخی از این نظریه‌پردازان با به کارگیری اصول سنت عقلانیت غربی دانش، برای گزارشگری مالی باورهای فلسفی ارائه داده‌اند تا حسابداری را یک دانش بیطرف و به دور از سیاست شناسایی کنند. این دیدگاه که به دیدگاه بازنگرایان موسوم است، عینیت در حسابداری را یک واقعیت خارجی می‌داند. اما برخی دیگر با رد وجود هرگونه باور و پیشفرض فلسفی برای حسابداری، پایه عینیت در حسابداری را در بینا ذهنیت دانسته‌اند و آن را فرمایشی سیاسی میدانند. این دیدگاه به ضد بازنگرایی موسوم است (هاشمی و میرزایی، ۱۳۹۵).

مطالعات اخیر در زمینه حسابداری نشان داده است که اطلاعات حسابداری از کیفیت عینی که تصور می‌شد برخوردار نیستند (موسو، ۲۰۱۱). به عنوان مثال، موسو و تو (۲۰۰۸) با استفاده از اصول نظریه بازنگرایی اندازه‌گیری نشان داد که حسابداری یک رشته اندازه‌گیری نیست. علاوه بر این، پژوهشگرانی همچون واکر و جونز (۲۰۰۳)، چمبرز (۱۹۹۷) و ویلت (۱۹۸۸) نیز فقدان مبانی اندازه‌گیری در حسابداری را تایید می‌کنند. بدون مبانی اندازه‌گیری یک رشته نمی‌تواند اطلاعات عینی تولید کند. اهمیت تأکید بر عینی‌گرایی در بازنگرایی‌های تئوری‌ها، مشکلات ادراکات ذهنی، درک‌ها، اهداف و اقدامات را نادیده می‌گیرد (گرین، ۲۰۱۱). از منظر دیگر، کینی (۲۰۱۵) و بوردیو (۱۹۹۲) استدلال کردند که فرد

به دانش فراگیرتری نیاز دارد که در آن عوامل عینی‌گرایی مانند ساختارهای سازمان و تفسیرهای ذهنی‌گرایانه را مورد توجه قرار دهد. همانطور که برنز و استالکر (۱۹۶۶) اشاره کردند که اختیار انسانی می‌تواند در تأثیرگذاری در جهت و حتی زنده ماندن عناصر عینیت‌گرا در مورد تغییر ساختاری حیاتی باشد. در همین راستا، بیسل (۲۰۱۵) بیان می‌کند که در مدل عینیت‌گرایی ارتدوکس در جایگاه اصول فلسفه عینی‌گرایی به مفهوم اراده آزاد و اختیارگرایی توجه می‌کنند. عینی‌گرایی ارتدوکس ادعا می‌کند که اراده انسان شامل توانایی عمل غیر از آنچه در هر شرایط خاص انجام می‌شود، است. بنابراین بحث در مورد ذهن یا آگاهی که باعث تغییر در واقعیت است، پوچ است. در عوض، ذهن یا آگاهی یک ویژگی یا قدرتی است که به موجب آن یک انسان باعث تغییر در واقعیت می‌شود.

نکته مهم دیگری که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که عینیت یک مسئله سیاه و سفید نیست. درجات مختلفی از عینیت وجود دارد (ایجیری و جیدیک، ۱۹۶۶). عینیت خالص یا متافیزیکی به استقلال از انسان به طور جمعی و همچنین از افراد خاص اشاره می‌کند. فرآیند حسابداری عناصر و فعالیت‌های آن کاملاً مستقل از بشر است. یک سیستم اطلاعاتی بالقوه یا انتزاعی، روش انتزاعی حسابداری و همچنین تمام عناصر و فعالیت‌های آن کاملاً مستقل از حسابداران خاص است. عینیت عملیاتی، استقلال از فرایندهای تفکر قضاوت افراد خاص است. به عنوان یک سیستم اطلاعات واقعی یا عملیاتی، روند حسابداری به طور کلی کاملاً مستقل از افراد خاص نیست، هرچند برخی از بخش‌هایی از فعالیت‌ها و عناصر آن مستقل از فرایندهای تفکر قضاوت حسابداران خاص هستند (وجداک، ۱۹۷۰).

بارل و مورگان اظهار داشتند که رویه‌های حسابداری که بر گزارش‌های حسابداری تأکید می‌کنند، باید به دیدگاه عینیت‌گرایی توجه ویژه‌ای کنند. به گفته مورگان، حرفه حسابداری می‌تواند با مواجهه با ذهنیت در زمینه حسابداری به چالش مفهوم عینیت پاسخ دهد (ایجیری و جیدیک، ۱۹۶۶). برای تهیه گزارش حسابداری عینی‌تر، سیستم‌های حسابداری باید طوری طراحی شوند که در برابر مداخلات مدیریتی عمدی کمتر آسیب‌پذیر باشند (لیانگ و ژانگ، ۲۰۱۹). مضافاً بر اساس دیدگاه بارل و مورگان، دیدگاه مبتنی بر قضاوت عینی، دارای مشخصاتی نظیر دیدگاه‌های اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی، جبرگرایی و شامل علوم دقیق می‌باشد و نیز قضاوت‌های ذهنی، شامل دیدگاه‌های غیر اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی، اختیاری و نیز بر مبنای اندیشه و عقل استوار است (لاریمی و محسنی، ۱۳۹۳). قابل توجه است که از دیدگاه‌های مختلف، دیدگاه ساختارگرایی افراطی و کارکردگرایی دارای مشخصات مذکور در دیدگاه عینی هستند و نیز دیدگاه انسان‌گرایی افراطی و تفسیرگرایی دارای مشخصات مذکور در دیدگاه ذهنی هستند (فروغی و رهروی دستجردی، ۱۳۹۸).

اصل عینیت با پذیرش دگرگونی‌ها در مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، مفهومی کش‌دار است که باب بحثی مستقل مجزا از سایر قواعد را باز کرده است (شرف‌الدین و همکاران، ۱۳۹۶). از این رو، این اصل به رغم قدمت، همچنان در منابع علمی مورد بحث، ایده‌پردازی و نظریه‌پردازی پرداخته است. دقیقاً به دلیل همین جایگاه برجسته و محوریت در جلب بی‌وقفه دیدگاه‌ها و انظار است که عینی‌گرایی لازم و ضروری می‌باشد (امبروسیو، ۲۰۱۴).

مبانی نظری پژوهش

تعریف و مفهوم عینیت

عینیت به عنوان یک مفهوم در رابطه با پدیده‌هایی است که حسابدار مورد استفاده قرار می‌گیرد. عینیت را می‌توان در قالب واقعیت خارجی، در تضاد با ذهنیت، عینی بودن ادراک یا تفکر و شناخته شده به عنوان مستقل از ذهن تعریف می‌گردد (شرف‌الدین و همکاران، ۱۳۹۵ و وجداک، ۱۹۷۰). عینی بودن اندازه‌گیری‌های حسابداری معمولاً به عنوان یک معیار مهم برای انتخاب روش‌های اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شود. مفهوم عینیت برای اندازه‌گیری اساسی است. عدم

حضور آن در یک رشته، اثبات روشنی است که این رشته یک رشته اندازه‌گیری نیست. از آنجا که حسابداری به عنوان یک رشته اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شود. همه اندازه‌گیری‌ها باید عینی باشد. در نتیجه انتظار می‌رود که روش‌های اندازه‌گیری حسابداری عینی باشد. بنابراین شواهد عینی قابل تأیید به عنصری مهم در حسابداری برای اجرای صحیح عملکرد حسابداری تبدیل شده است (عبداللهی و جان محمدی، ۱۳۸۹).

عینیت به واقعیت خارجی اشاره دارد که مستقل از افرادی است که آن را درک می‌کنند. افزون بر این، واقع‌گرایانه‌تر است که تعریف عینیت به معنای توافق بین گروه معینی از اندازه‌گیرها بیان شود (لیانگ و ژانگ، ۲۰۱۹). صورت مالی را می‌توان عینی دانست که هر فرد مطلع دیگری همان برداشت از موضوع دارد. حسابداران عینیت را به معنای بیان واقعیت‌ها بدون تحریف سوگیری شخصی توصیف می‌کند. عینیت، از نظر این حسابداران، مکانیزی برای حذف قضاوت بود (ریلی، ۱۸۵۳). حقیقت و واقعیت اصلی‌ترین ریشه در مبانی اصل عینیت و بی طرفی است. عینی‌گرایی اساساً به این دلیل مطرح شد تا راهی مطمئن برای دستیابی به حقیقت باز کند (شرف‌الدین و همکاران، ۱۳۹۶). مک کران (۲۰۰۷) اذعان می‌کند که در بازنمایی حقیقت باید اثبات شود که نمایش و انتقال حقیقت از طریق گزارش‌های عینی ممکن است.

عینیت‌گرایی در حسابداری

در این بخش، مبانی بین ذهنی، انتقاد به پیش‌فرض گزارشگری مالی از دیدگاه عینیت‌گرایی و سیاستگذاری حسابداری مطابق با عینیت‌گرایی مورد بررسی قرار گرفت.

مبانی بین ذهن از منظر عینیت معرفت‌شناختی

با ترسیم دیدگاه دیویدسون درباره مبانی دانش و عینیت حسابداری می‌توان اظهار داشت که هرگونه توضیح درباره امکان دانش باید سه نوع دانش متمایز اما متقابلاً وابسته را در بر داشته باشد: دانش جهان، دانش ذهن‌های دیگر و دانش ذهن خود. در این سه نوع دانش از نظر مثلث، رابطه بین دانش ذهن شخص خود و دانش ذهن دیگر بر پایه ارتباطی قرار بگیرد. دیویدسون اشاره می‌کند که دانش به وضوح پیش‌فرض اعتقاد است و داشتن اعتقاد مستلزم این است که بتوانیم بین درست و نادرست تفاوت قائل شویم. همچنین ویتگنشتاین معتقد است که منبع مفهوم حقیقت عینی ارتباط بین فردی است (دیویدسون، ۱۹۹۱).

دیویدسون (۱۹۹۱) بر این باور است که مبنایی برای عینیت در بین اذهان وجود دارد و در حد فاصل میان ذهنیت و عینیت مطلق ارتباطات و توافقات ایجاد می‌شود. از نظر دیویدسون (۱۹۹۴)، عینیت هر اعتقاد یا قضاوت خاصی را فقط می‌توان از نظر گستردگی و کیفیت توافقی که می‌تواند با آن مرتبط باشد، درک کرد. سپس برای بهبود استانداردهای عینیت می‌بایست به تعمیق، گسترش و امنیت کیفیت تعاملات در جامعه ذهن‌ها توجه شود. این دیدگاه دیویدسون ضد بازنماگرایی است اما ضد واقعی‌گرایی نیست. دیویدسون به وضوح جهان را به عنوان دنیای بیرون می‌پذیرد و شک نمی‌کند که بسیاری از چیزهای جهان از نظر علیت مستقل هستند. ضدبازنماگرایان در این باره موافقت خواهند کرد که جهان ممکن است باعث شود که در باور درست بودن یک جمله عادلانه رفتار شود (رورتی، ۱۹۸۹). تحلیل دیویدسون دلیل خوبی برای این تفکر است که اکثر صریح‌ترین اعتقادات، باید درست و در ارتباط با واقعیت، عینی باشد.

حسابداری هنگامی که رابطه علی و معلولی مستقیم با اهداف و رویدادها داشته باشد، در بهترین شکل ممکن است. بطور مثال، وقتی حسابداری با ارزش‌ها و معاملات بازار و دارایی‌ها و بدهی‌هایی که در محیط حضور واقعی دارند و وجود آنها در سیستم‌های اعتقادی دیگر تأیید می‌شود، ارتباط دارد. روابط بین حساب‌ها و اهداف و رویدادها در محیط تجاری تمایل دارند که با افزایش پیچیدگی دنیای تجارت و فناوری به تدریج از عینیت کمتری برخوردار شوند (مسینتج و همکاران،

۲۰۰۰). چنین تحولی نیازی به درک و عینیت حسابداری مالی ندارد به شرط آنکه با اعتقاداتی که ارتباط علی مستقیم با محیط دارند، انسجام زیادی داشته باشد (رورتی، ۱۹۸۰). به بیانی، حسابداری مالی به سمت عدم درک می‌رود، وقتی ارتباطات آن با هسته باورهای واقعی صحیح که از نظر علیت به محیط مربوط می‌شوند، با برخی از روش‌های حسابداری به تفکیک بسط داده می‌شود. برای مثال، تخصیص هزینه و بهای تمام شده می‌تواند ارزش حسابداری را تولید کند که کاملاً با محیط تجاری ارتباط ندارند و در صورت وجود ارتباط کمی با هر سیستم اعتقادی دیگری دارند (مک کرنان، ۲۰۰۷).

حسابداری مشخصاً یک کار صرفاً توصیفی نیست و حسابها دارای مقادیری هستند. اگر مقادیر به گونه‌ای اصلاح‌ناپذیر ذهنی باشند، گره خوردن جنبه‌های توصیفی و هنجاری در حسابداری ممکن است از عینیت جلوگیری کند. اما این موضع دیویدسون نخواهد بود؛ چرا که تجزیه و تحلیل دیویدسون اجازه نمی‌دهد جایی برای تمایز اصولی بین ارزیابی و سایر انواع قضاوت‌ها وجود داشته باشد. قضاوت‌های ارزشی از نظر قضاوت‌های واقعی متفاوت نیستند (دیویدسون، ۱۹۹۴). در سطح عملی، دستیابی به عینیت در حوزه‌های مختلف، مثلاً علم و اخلاق، چالش‌های مختلفی را به همراه خواهد داشت. در عمل به دست آوردن توافق بین اذهان یا توافق در مورد هنجارها و مقادیر ممکن است بیش از موضوعات علمی باشد. با نقد دیدگاه‌های شاپیرو در مورد پیش‌فرض‌های گزارش مالی می‌توان استدلال نمود که در اصل نیازی به تفکیک بین قضاوت‌های ارزشی و قضاوت‌های واقعی نیست.

انتقادی به پیش‌فرض گزارشگری مالی از دیدگاه عینیت‌گرایی

انتقادی که از بازنگرایی شاپیرو درباره پیش‌فرض‌های گزارشگری مالی خارجی ارائه شده است، در درجه اول هدف اصلی آن کمک به تبیین و تقویت دیدگاه ضدبازنگرایی از ایجاد حقیقت و عینیت در حسابداری است. تجزیه و تحلیل شاپیرو الهام گرفته از بیانیه سرل (۱۹۹۵) در مورد پیش‌فرض‌های فلسفی که وی ادعا می‌کند سنت خردگرایانه غربی است، می‌گیرد (سرل، ۱۹۹۳). شاپیرو (۱۹۹۷) پیشنهاد می‌کند که عقاید فلسفی زیر بر اساس پنج پیش‌فرض گزارشگری مالی خارجی می‌باشد:

اول: رئالیسم خارجی؛ واقعیت خارجی مستقل از صورت‌های مالی وجود دارد که نشانگر آن است. پدیده‌های اجتماعی از لحاظ هستی‌شناختی ذهنی هستند. اما به همان اندازه واقعی هستند که پدیده‌های فیزیکی از لحاظ هستی‌شناختی واقعی هستند. شاپیرو و سرل معتقدند که واقع‌گرایی را می‌توان به عنوان یک موضوع کاملاً هستی‌شناختی تصور کرد. برخی از واقعیت‌ها مستقل از ادراک هر مشاهده‌گر وجود دارد که رئالیسم هستی‌شناسانه یا رئالیسم خارجی نامیده می‌شود (شاپیرو، ۱۹۹۷). واقعیت خارجی شاپیرو واقعیتی خارج از همه بازنمایی‌های انسانی نیست، اما فقط واقعیت خارج از بازنمایی مالی است. بنابراین بسیاری از جهان اجتماعی ذهنی هستی‌شناختی را شامل می‌شود. واقعیت خارجی شاپیرو، بر خلاف سرل، می‌تواند حاوی ساختارهای اجتماعی مانند اختیار خرید سهام باشد. مطمئناً روشن است که زبان حسابداری و بازنگرایی حسابداری به طور کلی در تداوم و شکل دادن به فعالیت اقتصادی نقش دارند. واقعیت اجتماعی و اقتصادی مستقل از تمام بازنمایی‌گرایی مالی وجود ندارد. هرگونه بحث درباره رئالیسم، حتی رئالیسم هستی‌شناختی نباید مورد بی‌اعتمادی واقع شود؛ زیرا به نظر می‌رسد هیچ هدفی جز ایجاد پایه‌ای برای ایده ناقص حقیقت به عنوان تطابق بازنمایی و واقعیت ندارد (مک کرنان، ۲۰۰۷).

دوم: نظریه مطابقت حقیقت؛ اگر با واقعیت اقتصادی اساسی که آن را نشان می‌دهد، مطابقت داشته باشد؛ نمایانگر بیان مالی درست است. با توجه به تمایلات واقع‌بینانه شاپیرو تعجب‌آور نیست که گزارش مالی پیش‌فرض یک نظریه مطابقت با حقیقت است. سرل از نظریه مطابقت درباره حقیقت دفاع می‌کند که طبق آن حقایق غیرزبانی در جهان وجود دارد؛ زیرا

آنها در روابط معینی با این واقعیت ها وجود دارند، روابطی که مطابق به حقایق است (سرل، ۱۹۹۵). برای دادن محتوا به مفهوم مطابقت، توضیحاتی در مورد چگونگی مشخص کردن و صحبت کردن درباره آن چیزهایی در جهان که معمولاً از آنها به عنوان واقعیت یاد می‌شود و گفته‌های را تأیید می‌کند، لازم است. بسیاری از فلاسفه استدلال کرده‌اند که هیچ گزارش رضایت‌بخشی از واقعیت‌ها به عنوان موجودات غیرزبانی موجود در جهان قابل ارائه نیست. منتقدانی مانند استراوسون خاطر نشان می‌کند که تنها راهی که می‌توان یک واقعیت خاص را شناسایی کرد، استفاده از همان زبانی است که برای تفکیک و شناسایی صورت مالی مربوط به آن استفاده کرد. با توجه به این دیدگاه، واقعیت‌ها موجودات خارج زبان نیستند و همان عبارت‌ها و صورت‌هایی هستند که حقیقت دارند (استراوسون، ۱۹۵۰ و دیویدسون، ۱۹۹۰).

بسیاری از مباحث اصلی گزارشگری مالی مملو از زبان و استعاره مطابقت بوده است (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰)، اما واضح است که این بیش از آنکه جنبه و معنایی داشته باشد، بیش از هر چیز گفتاری باشد. این تصور که حقیقت در رابطه‌ای از مطابقت بین بازنمایی و واقعیت‌های (غیرزبانی) وجود دارد اساساً قابل درک نیست (حساس‌فر، ۱۳۹۲). از دیدگاه دیویدسون، شاید عمیق‌ترین ایراد نسبت به موضع واقع‌گرایی مطابقت این باشد که این موضوع هیچ دلیلی برای مطابقت عقاید با واقعیت نمی‌دهد. تحلیل دیویدسون از شرایط ایجاد دانش دلیل خوبی برای این تفکر می‌دهد که بسیاری از باورهای اساسی درست هستند و با واقعیت عینی در ارتباط هستند.

سوم: نسبی‌گرایی مفهومی طرح‌های گزارشگری مالی؛ سیستم‌های نمایش مانند چارچوب‌های مفهومی ساخته بشر هستند و بنابراین از نظر اجتماعی ساخته می‌شوند. سیستم‌های بازنا متفاوت می‌توانند برای نشان دادن واقعیت یکسان استفاده شوند و ممکن است یک سیستم بهتر از سیستم دیگری باشد یا نباشد. اهداف گزارشگری مالی بر اساس مقادیر هنجاری استوار است که نمی‌تواند به طور واقعی یا تجربی تأیید شود.

وقتی واقع‌گرایان خارجی از مفهوم نسبی‌گرایی مفهومی استفاده می‌کنند، اساساً این کار را برای تأیید این دیدگاه انجام می‌دهند که هر گونه بازنمایی واقعیت به طرح مفهومی بکار رفته محدود می‌شود. از سیستم‌های مختلف بازنمایی می‌توان برای نشان دادن همان واقعیت استفاده کرد (شاپیرو، ۱۹۹۷). با چنین دیدگاهی، حقیقت یا نادرستی توصیف همیشه مربوط به دیدگاه یا سیستم مفاهیم اتخاذ شده است (سرل، ۱۹۹۵). برای واقع‌گرایان خارجی، نسبییت مفهومی حقیقت نمی‌تواند اجازه دهد که همان می‌تواند در مورد جهان در یک سیستم مفهومی صادق باشد اما در مورد جهان در یک سیستم مفهومی دیگر نادرست است (سرل، ۱۹۹۵). سرل این ایده را که طرح مفهومی درستی برای توصیف واقعیت خارجی وجود دارد، رد می‌کند. همچنین بیان می‌کند که می‌توان واقعیت را به تعداد زیادی از راه‌های جایگزین تقسیم و نمایش داد. همچنین سرل معتقد است که واقعیت خارجی از هیچ طرح مفهومی خاصی برخوردار نیست، زیرا به خودی خود دیدگاهی ندارد. در حقیقت، به دست آوردن همزمان بین حقیقت و واقعیت غیرممکن است که به نظر می‌رسد بسیاری از فلاسفه سنتی به آن علاقمندند (سرل، ۱۹۹۵). نسبی‌گرایی سرل این احتمال را قبول نمی‌کند که برخی از سیستم‌های بازنمایی بهتر از سایر سیستم‌ها، واقعیت را بهتر درک می‌کنند. با این اوصاف، ممکن است که واقعیت خارجی با برخی از توصیفات که ارائه می‌شود، مطابقت داشته باشد.

رورتی (۱۹۹۷) اظهار می‌دارد که سرل گهگاهی در معرض وسوسه تفکر قرار می‌گیرد؛ چرا که معتقد است برخی از طرح‌های توصیفی نسبت به سایر طرح‌ها از نظر واقعیت مناسب‌ترند. به نظر می‌رسد که نسبی‌گرایی سرل، نظریه‌ای را به این امید که حقیقت و واقعیت با هم منطبق شوند، می‌دهد. همین گرایش به طور کلی در کاربرد نسبی‌گرایی مفهومی توسط شاپیرو در گزارش مالی مشهود است؛ زیرا در تشخیص اینکه برخی از مدل‌های گزارشگری مالی بهتر از برخی دیگر است، هیچ ابایی ندارد (شاپیرو، ۱۹۹۷). به طور مثال، شاپیرو (۱۹۹۷) بر این باور است که گنجاندن اختیار سهام در

حساب‌ها گامی به سوی بازنمایی مناسب‌تر واقعیت، گامی به سوی همزمانی بهتر حقیقت و واقعیت در حسابداری خواهد بود. در حقیقت، واقعیت به عنوان فشار خارجی بر برنامه‌های گزارشگری مالی شناسایی می‌شود.

دیویدسون (۱۹۹۰) اذعان می‌کند که زبان برای درک چگونگی اوضاع در جهان حیاتی است. اگر زبان‌های مختلف قابل ترجمه نباشند، طرح‌های مفهومی متنوعی تشکیل می‌شود و بنابراین ممکن است بحث نسبیت مفهومی به میان آید. در نتیجه نمی‌توان مفهوم طرح‌های مختلف مفهومی یا نسبی‌گرایی مفهومی را به خوبی درک کرد. مسئله این است که کسانی که از مفهوم نسبی‌گرایی مفهومی استفاده می‌کنند اغلب قادر به مقاومت در برابر مکاتب و اصول غیر قابل فهم نیستند. به نظر می‌رسد شاپیرو (۱۹۹۷) با تأیید نظر مورگان راجع به این موضوع بیان می‌کند که حسابداران سازندگان واقعیت ذهنی هستند (مورگان، ۱۹۸۸). به نظر می‌رسد شاپیرو می‌خواهد این نظر را که طرح‌های حسابداری جایگزین واقعیت‌های جایگزین را ایجاد می‌کنند، تأیید کند اما هیچ توضیحی در مورد چگونگی مطابقت این دیدگاه با رئالیسم خارجی که پیش فرض واقعیتی مستقل از بازنمایی‌های حسابداری است، ندارد. لذا مطمئناً چنین تلفیقی ممکن نیست. چهارم: قضاوت ذهنی (ذهنیت معرفت‌شناختی)؛ بسیاری از عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، روانشناختی و غیره به قضاوت حسابداران در مورد آنچه که توصیف معتبر واقعیت اقتصادی را تشکیل می‌دهد، منجر می‌شود (پترز، ۱۹۹۵). عینیت معرفتی مطلق امکان‌پذیر نیست زیرا همه قضاوت‌های حسابداری از یک دیدگاه مشمول خطا اندازه‌گیری، انگیزه عوامل شخصی و در یک زمینه تاریخی خاص انجام می‌شود (پالیام، ۲۰۱۱).

تلاش‌های سرل برای توجیه واقع‌گرایی بیرونی صریحاً ناشی از تمایل وی برای دفاع از عینیت معرفت‌شناختی است (سرل، ۱۹۹۵). با توجه به دیدگاه واقع‌گرایی-تطابق‌گرایی درباره مسائل، قضاوت‌ها زمانی "عینی" هستند که بتوان حقیقت یا نادرستی آنها را با توجه به واقعیات موضوع تعیین کرد. برعکس، آنها "ذهنی" هستند، وقتی حقیقت یا نادرستی آنها به طور عینی قابل حل نیست. چرا که حقیقت یا کذب یک امر ساده نیست بلکه به نگرش‌ها، احساسات و دیدگاه‌های خاص سازندگان و شنوندگان قضاوت بستگی دارد (سرل، ۱۹۹۵). از نظر سرل، پیش‌فرض نسبی‌گرایی مفهومی، این دیدگاه که بازنمایی‌ها نسبت به برخی از مفاهیم خودسرانه انجام می‌شود، از عینیت جلوگیری نمی‌کند. شاپیرو از این دیدگاه پیروی می‌کند و معتقد است که صورت مالی می‌تواند عینی باشند. به این معنا که به موجب واقعیات موضوع ممکن است درست یا نادرست باشند.

نسبی‌گرایی مفهومی سرل از این امکان جلوگیری می‌کند که ممکن است ک و تنها یک طرح مفهومی درست برای توصیف واقعیت وجود داشته باشد (سرل، ۱۹۹۵). با این دیدگاه، تمام بازنمایی‌ها به یک طرح مفهومی خاص محدود می‌شوند. این احتمال که حقیقت و واقعیت به خودی خود وجود داشته باشد را منطبق نمی‌کند. واقعیت عینی از نظر هستی‌شناختی دیدگاهی ندارد (سرل، ۱۹۹۵) و نسبیت‌گرایی مفهومی سرل امکان عینیت مطلق را رد می‌کند (مگیل، ۱۹۹۴ و ناگل، ۱۹۸۶). سرل تشخیص می‌دهد که عینیت یا ذهنیت قضاوت یک مساله مورد مناقشه است (سرل، ۱۹۹۵) و پیشنهاد می‌کند که یکی از پیش‌فرض‌های جهان بینی این است که قضاوت‌ها همیشه نمی‌توانند کاملاً عینی باشند.

عینیت معرفتی کامل بسیار دشوار است، زیرا تحقیقات واقعی همیشه از یک دیدگاه انجام می‌شود (سرل، ۱۹۹۵). این بیانیه سرل به عنوان الگویی برای فرمول‌بندی شاپیرو از پیش‌فرض موضوعیت معرفت‌شناختی حسابداری عمل می‌کند. عینیت معرفتی مطلق امکان‌پذیر نیست؛ زیرا همه قضاوت‌های حسابداری منوط به سوگیری مختلف اندازه‌گیری، انگیزه عوامل شخصی و یک زمینه تاریخی خاص از یک دیدگاه انجام می‌شوند (شاپیرو، ۱۹۹۷). توجه داشته باشید که در جایی که سرل به دشواری رسیدن به عینیت اشاره می‌کند، شاپیرو تأکید بر عدم امکان عینیت مطلق دارد. طرفداران نظریه دیویدسون بیان کردند که نمی‌توان ایده عینیت مطلق را به خوبی درک کرد. آنها این را می‌پذیرند که درک ایده روش منحصر به فرد، تفسیر یا توصیف چیزهایی که به گونه‌ای در واقعیت به وجود می‌آیند، به خودی خود امکان‌پذیر نیست.

طبق تحلیل دیویدسون می‌توان اطمینان حاصل کرد که بسیاری از باورهای اساسی درست و در ارتباط با واقعیت هستند. پیش‌فرض موضوعیت معرفت‌شناختی شاپیرو چنین اعتمادی را ایجاد نمی‌کند و اصرار سرل را برای دستیابی به همزمانی حقیقت و واقعیت از بین می‌برد. از نظر سرل، شکاف فرضی بین حقیقت و واقعیت به نوعی مهم است (مک کران، ۲۰۰۷).

مطمئناً افراد کمی تردید دارند که عملکرد حسابداری بر این فرض استوار است که می‌توان دانش حسابداری مفید و منطقی عینی وجود داشته باشد. با این اوصاف، در حالی که ممکن است ترجیح داده شود که بر امکان واقعی عینیت در حسابداری تأکید شود. گفته شاپیرو در مورد پیش‌فرض عدم امکان عینیت مطلق در حسابداری ممکن است از دیدگاه دیویدسون دشوار بنظر برسد. این موضوع مشکل‌آفرین می‌شود هنگامی که پیش‌فرض از ذهنیت معرفت‌شناختی در گزارش مالی توصیف می‌شود. چرا که در این صورت عینیت در حسابداری تا حد زیادی یک افسانه است (مورگان، ۱۹۸۸). خطر چنین تعبیری افزایش می‌یابد با تمایل شاپیرو برای دیدگاه مورگان از حسابداران به عنوان سازندگان ذهنی واقعیت نشان داده شده است.

پنجم: تعهد به عقل‌گرایی (عینیت معرفت‌شناختی): دانش از نظر معرفت‌شناختی تا حدی عینی است که یک جامعه بتواند در مورد معیارهای ارزیابی توجیه یا شواهد ادعاها به توافق برسد. این عقیده که دانش متشکل از بازنگرایی‌های واقعی است که می‌توان انواع خاصی از ادله یا شواهد را ارائه دهد، اساس علم عقلانی غربی، مفهوم ناشی در تنظیم استاندارد و تقاضای خدمات تأیید است. عینیت معرفتی مطلق به نفع دیدگاه عمل‌گرایانه، بین اذهان و توافق رد می‌شود. شاپیرو (۱۹۹۷) با تکرار دیدگاه بازنگرایی‌گرایی سرل مبنی بر اینکه دانش به معنای داشتن بازنگرایی‌های واقعی و درست است که می‌توان توجیهات یا شواهد را برای آن ارائه داد، آغاز می‌شود (سرل، ۱۹۹۵). بازنگرایی‌های واقعی از این منظر عینی هستند که واقعیت‌های موجود در جهان که آنها را واقعی می‌کند، مستقل از نگرش یا احساسات افراد در مورد آنها هستند (سرل، ۱۹۹۵). چنین دیدگاهی کاملاً مخالف ضد بازنگرایی‌گرایی فیلسوفانی مانند دیویدسون و رورتی است که به بنیادی بودن ذهنیت‌گرایی برای عینیت اشاره می‌کنند.

شاپیرو با صحبت از دانش به عنوان بازنگرایی واقعی، تعهد خود را نسبت به دیدگاه واقع‌گرایی-تطابق‌گرایی از عینیت، جبران می‌کند. علی‌رغم تعهد آشکار شاپیرو به مفهوم بازنگرایی واقعی، بیان می‌شود که گزارش مالی یک دیدگاه عملی، بین‌الذهانی و توافق را در مورد عینیت فرض می‌کند (شاپیرو، ۱۹۹۷). از نظر رورتی جایگزینی عینیت به عنوان بین‌ذهنی برای عینیت نمای اصلی حرکت عملی است (رورتی، ۱۹۹۱). در پیش‌فرض پنج به نظر می‌رسد که شاپیرو می‌خواهد این برداشت‌های مخالف از عینیت را ترکیب کند. دیویدسون بیان می‌کند که نمی‌توان حقیقت عینی را تشخیص داد، هرگز نمی‌توان گفت که کدام یک از باورها درست است و اعتقادات همیشه خطاپذیر خواهد بود. از این رو چنین نتیجه می‌شود که هیچ معنایی ندارد که حقیقت به عنوان عینیت شناخته شود (دیویدسون، ۲۰۰۰).

دیویدسون به این دیدگاه متعهد است که استانداردهای بین‌فردی که تفسیر و تفکر را ممکن می‌سازند، عینی هستند. اگر این استانداردها عینی نباشند، هیچ مانعی وجود ندارد که یک مفسر و گوینده در عقیده خود کاملاً اشتباه داشته باشند. دیویدسون در برابر آنچه رورتی برای تمایل این عینیت توضیح می‌دهد، مقاومت می‌کند. بیشتر باورهای اساسی، عقایدی که زمینه‌سازی و باورهای دیگر را قابل فهم می‌کنند، باید درست باشد (رورت، ۱۹۹۶). ذکر این نکته حائز اهمیت است که رابطه علی بین باور و جهان قابل اعتماد است، اما نباید این واقعیت را فراموش کرد که دانش در مورد جهان همیشه براساس دانش از ذهن‌های دیگر است. از نظر دیویدسون، عینیت به بین‌ذهنی بودن خلاصه نمی‌شود، بلکه مبتنی بر بین‌ذهنی است.

مفهوم واقع‌گرایی-تطابق‌گرایی، عینیت را به عنوان نمایش درست واقعیت‌ها کنار گذاشته می‌شود. این یک مورد مناسب برای کسانی است که می‌خواهند در حوزه‌هایی مانند گزارش مالی عینیت این ایده را به چالش بکشند. تا زمانی که به طور جدی در مورد مکاتبات و بازنمایی‌های واقعی صحبت نشود و توهم عینیت بازنمایی نگردد. بعید است دلایل واقعی امکان عینیت در حسابداری در روابط مشترک با یکدیگر و جهان مشترک شناخته شود. طرفداری و تلاش‌های شاپیرو از رئالیسم خارجی برای احیای نظریه تطابق حقیقت در حسابداری تنها می‌تواند مانع شناخت درست مبنای عینیت ضروری بین‌الادهان شود (حساس فر، ۱۳۹۲).

کسانی که علاقه‌مند به روشن شدن بحث حسابداری هستند باید از زبان نسبی‌گرایی محتاط بهره گیرند. در حسابداری نمی‌توان عینیت مطلق را متصور نمود. از نظر شاپیرو این امر بیانگر پیش‌فرض ذهنیت معرفت‌شناختی گزارشگری مالی است. این دیدگاه این است که ممکن است این باور غلط را تقویت کند که حسابداری به گونه‌ای اصلاح ناپذیر ذهنی است. واقعیت این است که حسابداری معمولاً با یک جهان مشترک در دسترس عموم با هزینه‌های معامله و ارزش‌های بازار سروکار دارد و از منظر دیویدسون منطقی است که فرض شود در این حوزه می‌توان به درجه بالایی از عینیت معرفت‌شناختی مبتنی بر بین ذهنی دست یافت. عینیت سرل به عنوان یک بازنمایی دقیق و عینیت رورتی به عنوان بین‌ذهنی. عمل‌گرایی رورتی کاملاً ضد بازنمایی‌گرایی است و بنابراین نسبت به رئالیسم سرل ارجح است، اما دیدگاه‌های رورتی در مورد حقیقت و عینیت، از دیدگاه دیویدسون مبنای کاملاً رضایت‌بخشی برای ارزیابی پایه‌های واقعی عینیت در حسابداری نیست (مک کران، ۲۰۰۷).

سیاست‌گذاری حسابداری مطابق با عینیت‌گرایی

رابطه بین باورهای فلسفی و شیوه‌های اجتماعی پایدار در دستیابی به حقیقت عینی موثر است (سولومونز، ۱۹۷۸). با این حال، به هیچ وجه روشن نیست که حسابداری یا هر عمل اجتماعی دیگر، هرگونه باور فلسفی را پیش‌فرض می‌گیرد (رورتی، ۱۹۹۴). تغییر در آن باورها به طور کلی دلیل خوبی برای تغییر رویه‌ها نخواهد بود. به همین دلیل، در حالی که تصور واضحی از آنچه که باعث تحریف عقاید مانند باور مفید بودن حسابداری وجود می‌شود؛ بسیار دشوارتر است از اینکه چه چیزی باورهای فلسفی را جعل می‌کند (رورتی، ۱۹۹۴). گربوت (۱۹۷۳) به رد ادعایی که حسابداری حقیقت مطلق را مطرح می‌کند، می‌پردازد. دیگر نمی‌توان به تحقیق حسابداری به عنوان نوعی حقیقت‌جویی نگاه کرد (گربوت، ۱۹۷۳) و باید زمینه‌های جدید و قانونی بودن آن را فراهم آورد. لذا گربوت (۱۹۷۳) بیان کرد که سیاست‌گذاری قانون‌گذاری حسابداری نه تنها اجتناب‌ناپذیر بلکه عادلانه و درست می‌داند. اکنون تعداد کمی از اندیشمندان با این پیشنهاد مخالف هستند که باید این تصور ساده‌لوحانه که حسابداری جستجویی یک حقیقت منحصر به فرد است، رد شود (گربوت، ۱۹۷۲). سلومونز (۱۹۷۸) قطعاً حق دارد در برابر دیدگاه کاملاً جدی گربوت در مورد اینکه حسابداری سیاسی که از حقیقت فاصله گرفته، مقاومت کند. حق مقاومت در برابر هرگونه پیشنهادی که ملاحظات سیاسی باید تعیین کند، استانداردهای حسابداری است. دستیابی به حقیقت عینی در عمل حسابداری باید مبتنی بر بین‌ذهنی باشد، در ارتباط بین افراد مرتبط با یک جهان مشترک نمی‌توان منافع و نیازهای انسانی را از مسائل سیاسی جدا کرد. حسابداری می‌تواند به عنوان شکلی از حقیقت‌جویی حفظ شود. حسابداران مسئولیت محافظت و سنت‌ها، نهادها و روش‌هایی را که استقلال قضاوت آنها و قوانین حسابداری را حفظ می‌کند، توسعه دهند. جامعه حسابداری باید از عهده این مسئولیت عملی برآید، اما می‌تواند معیارهای سنتی عینیت، حقیقت و عقلانیت را ترک کند تا از خود مراقبت کنند (رورتی، ۱۹۹۴).

جامعه می‌تواند موافقت کند که وضعیت بحث و گفتگو بین فیلسوفانی مانند سرل و رورتی به شکل بسیار کمی بر معیارهای صداقت، حقیقت و عینیت در عملکرد حسابداری تأثیر دارد. جامعه حسابداری خود باید حافظ حقیقت در

حسابداری باشد و از فیلسوفان انتظار کمکی نداشته باشد. ایده‌های فیلسوفانی که سنت عقل‌گرایانه غربی را به چالش می‌کشند، هنگام وارد شدن به مباحث مربوط به عمل اجتماعی، اغلب تحریف می‌شوند. به منظور روشن شدن موضوع می‌توان به یک مثال حسابداری اشاره نمود. یک مدیر بانک که غیرفلسفی صحبت می‌کند سوابقی را بر اساس دانش خود بیان می‌کند. آیا حساب‌های یک شرکت به طور دقیق، یا صادقانه، نشان دهنده موقعیت و عملکرد آن است؟ احتمالاً نگرانی او در مورد صداقت، صلاحیت و دقت در تهیه حساب‌ها است؟ آیا ثبت اسناد و مدارک کاملاً منظم و کنترل شده و دقیق است؟ آیا حساب‌ها مطابق با روال عمومی پذیرفته شده تهیه شده‌اند؟ آیا با هرگونه مشکل قابل توجهی برخورد شده است تا اطمینان حاصل شود حساب‌ها باعث گمراهی استفاده‌کنندگان نمی‌شوند؟ از نظر غیر فلسفی، حسابداران واقعیت‌ها را همانطور که می‌دانند نشان می‌دهند. این هیچ تعهد فلسفی در مورد واقعیت وقایع گذشته، در مورد شرایط حقیقت اظهارات مربوط به چنین رویدادهایی ندارد (رورتی، ۱۹۹۴). حقیقت، دقت و صداقت در عمل حسابداری به نتیجه بحث فلسفی بستگی ندارد، بلکه به حفظ و توسعه برخی از سنت‌ها، نهادها و اعمال بستگی دارد.

توانایی جامعه حسابداری برای ادامه دستیابی به حقیقت عینی تحت فشارهای بی‌نظیر تحولات اجتماعی و تجاری قرار گرفته است. هرگونه از دست دادن رأی عمومی در توانایی جامعه برای کنار آمدن، احتمال افزایش دخالت‌های سیاسی را افزایش می‌دهد. چنین دخالتی می‌تواند از توانایی جامعه در ایفای نقشی حیاتی خود در حفظ استانداردهای عینیت و حقیقت در حسابداری بکاهد.

پیشینه تجربی

با نظر به اهمیت عینیت‌گرایی در حسابداری پژوهشگران خارجی نسبت به پژوهش‌های داخلی توجه بیشتری به این مساله داشتند. بطور مثال، یافته‌های چمبرز (۱۹۶۴) حاکی از آن است که فقط زمانی می‌توان ادعای عینیت کرد که بدانیم چه اندازه‌گیری می‌کنیم. ایجیری و جدیکی (۱۹۶۶) در پژوهش خود بیان کردند که ویژگی عینیت در کاهش اجرای ناکارآمد نقش موثری دارد. امانوئل کانت (۱۹۷۴) بیان کرد که اندیشه در قابل فهم کردن امور نقش فعالی دارد. ذهن‌گرایی، ویژگی‌های قابل فهم به چیزها می‌بخشد. در حالی که حقیقت / واقعیت خودش است (بدون لمس ذهن انسان) اما نمی‌توان آن را درک کرد. سولومونز (۱۹۷۸) بر این باور است که دستیابی به حقیقت عینی در عمل حسابداری باید مبتنی بر بین ذهنی باشد. ویس و همکاران (۱۹۹۴) اشاره کرد که اندازه‌گیری باید در جوامع بحثی خود عینی باشد. اندازه‌گیری باید توسط همه افراد در یک انجمن خاص مرجع به همان روش انجام شود. از این نتیجه می‌شود که اندازه‌گیری‌ها به طور اجتماعی ایجاد می‌شوند. شاپیرو (۱۹۹۷) در مطالعه خود بیان کرد که عینیت معرفتی مطلق امکان‌پذیر نیست؛ زیرا قضاوت‌های حسابداری تحت تاثیر عوامل شخصی و زمینه تاریخی است. تینکر، مریو و نیمارک (۱۹۸۲) بیان می‌کند بر پایه فلسفه واقع بینی، واقعیت به طور عینی و مستقل از ادراک افراد وجود دارد و سرانجام برای هر مشاهده کننده یکسان است. قطعی دانستن این مورد که فلسفه واقع بینی ادعا می‌کند، در نهایت منجر به این می‌شود که واقعیت سرانجام در جستجوی قوانین و سازوکارهای بنیادی تنظیم کننده خودکار رفتار خود، پیدا می‌شود. همچنین، مورگان (۱۹۸۸) بیان می‌کند تنگناهای عملی و ذهنی می‌تواند توانایی حسابداران را در بازنمایی واقعیت به طور منصفانه و عینی اندک کند. حسابداران در بیشتر موارد خود را در یک وضعیت عینی، عاری از ارزش و بازنمای واقعیت همانطور که هست، مشاهده می‌کنند؛ اما به راستی، آنها ذهنی (ساختار سازان واقعیت): ارائه دهنده و بازنما کننده موقعیت‌ها در تنگنا و روش‌های یکسویه هستند. نتایج مطالعات سرل (۱۹۹۵) بیانگر آن است که با توجه به دیدگاه رئالیستی_ تطابق‌گرایی،

قضایات زمانی عینی هستند که بتوان حقیقت یا نادرستی آن‌ها را با توجه به واقعیات موضوع تعیین کرد. برعکس، آن‌ها ذهنی هستند وقتی حقیقت یا نادرستی آن‌ها به طور عینی قابل حل نیست.

مسیب و همکاران (۲۰۰۰) بیان می‌کنند روابط بین حساب‌ها و اهداف و رویدادها در محیط تجاری تمایل دارند که با افزایش پیچیدگی دنیای تجارت و فناوری به تدریج از عینیت کمتری برخوردار شوند. نتایج مطالعات ریان (۲۰۰۳) بیانگر آن است که توجه به مساله عینیت‌گرایی بر تدوین استانداردها و قوانین نقش اساسی ایفا می‌کند. گوس و واندرپول (۲۰۰۴) در مطالعه خود دریافتند که برخی معاملات حسابداری براساس واقعیت شبیه سازی شده است. این بدان معناست که این معاملات واقعی نیستند، بلکه یک ذهنیت است. اینگونه معاملات وابسته به نظر حسابدار است و واقعیت را نشان نمی‌دهد. ماک (۲۰۰۴) بیان می‌کند عینیت در حسابداری واقعیت خارجی است که مستقل از رویه‌های گزارشگری مالی باز نمانده آنها است. مک کران (۲۰۰۷) اذعان می‌کند که در بازنمایی حقیقت باید اثبات شود که نمایش و انتقال حقیقت از طریق گزارش‌های عینی ممکن است

موسوتو (۲۰۱۱) در پژوهش خود بیان کردند که مطالعات در اندازه‌گیری حسابداری، فقدان ساختارهای رابطه‌ای تجربی را نشان می‌دهد که باید پایه‌ای برای اندازه‌گیری حسابداری باشد. این موضوع فقدان عینیت اطلاعات حسابداری را نشان می‌دهد. شاخصه‌های توسعه نظریه مالی نشانگر استفاده از اطلاعات اندازه‌گیری حسابداری به عنوان پایه‌ای برای توسعه آنها است. این نشان می‌دهد که اطلاعات حسابداری ذهنی در تئوری مالی گنجانیده شده است. در نتیجه، این وضعیت مالی به عنوان یک علم جهانی برای همه محققان و توانایی آن در ساخت مدل‌های دقیق تجارب مالی را زیر سوال می‌برد. این مقاله از اصول اندازه‌گیری بازنمایی برای برجسته کردن پیامدهای اطلاعات ذهنی در توسعه اصول و مفاهیم مالی استفاده می‌کند. این نشان می‌دهد که امور مالی، یک دانش جهانی نیست و مدل‌های دقیق تجارب مالی در حال حاضر قابل ساخت نیستند.

نتایج مطالعات گرین (۲۰۱۱) حاکی از آن است که عینی‌گرایی بر موضوعات ساختاری متمرکز است و مشکلات ادراکات ذهنی، درک‌ها، اهداف و اقدامات را در سطوح مختلف در سازمان‌هایی که دچار تغییرات ساختاری و سیستمی می‌شوند، نادیده می‌گیرد. همچنین، عوامل عینی‌گرایی مانند ساختارهای سازمان و تفسیرهای ذهنی گرایانه از تغییر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج مطالعات پالیام (۲۰۱۱) حاکی از آن است که هدف عینیت افرادی است که یک شرکت را مدیریت می‌کنند، افرادی هستند که از همکاری با مدیریت برای جعل سیستم حسابداری برای تولید تصویری، تحریف شده سود می‌برند.

نحوه استفاده از حسابداری توسط مدیریت برای به خطر انداختن عینیت موضوع این مقاله است. میریام (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان عینیت‌گرایی در دانش مدیریت و سازمان به این نتیجه رسیدند که حذف ذهنیات انسانی و اختیارات از دانش جریان اصلی در مورد تغییر سازمانی و مسائل اجتماعی به طور گسترده تر مشکل ساز است. کینی (۲۰۱۵) استدلال کرد که فرد به دانش فراگیرتری نیاز دارد که در آن عوامل عینی‌گرایی مانند ساختارهای سازمان و تفسیرهای ذهنی گرایانه را مورد توجه قرار دهد. بیسل (۲۰۱۵) در پژوهش خود بیان کرد که انتخاب و عمل انسان را به جای دیدگاه عینی‌گرایی ارتدکس برای ازاد آزاد مطرح کرد.

لیانگ و زانگ (۲۰۱۹) نشان دادند که ویژگی عینیت، وقتی با ویژگی دقت مقایسه می‌شود، دارای مزیت بالایی در جهت کاهش اجزای ناکارآمدی دارد. آنان همچنین به طراحی سیستم‌های حسابداری بهینه برای افزایش عینیت را پرداختند و دریافتند که برای تهیه گزارش حسابداری عینی‌تر، سیستم‌های حسابداری باید طوری طراحی شوند که در مقابل مداخلات مدیریتی عمدی کمتر آسیب‌پذیر باشند. ماسمینی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود بیان کردند که

رویه‌های حسابداری که بر گزارش‌های حسابداری تأکید دارند، باید با عناصر مکالمه یا گفتگو متعادل شود، نه فقط ادعای عینیت.

متعاقباً، تعداد اندکی از پژوهشگران داخلی نیز به موضوع عینیت‌گرایی توجه ویژه‌ای کرده‌اند. به عنوان مثال، کنارودی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با تبیین مفهوم عینیت، جایگاه آن را در مطالعات تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد و به موانع دستیابی به آن می‌پردازد. هاشمی و میرزایی (۱۳۹۵) در پژوهش خود عنوان کردند که مطابق با دیدگاه بازنمایی‌گرایی، عینیت در حسابداری، یک واقعیت خارجی می‌باشد. همچنین از دیدگاه مقابل، بر اساس دیدگاه ضدبازنمای‌گرایی با رد وجود هرگونه باور و پیش فرض فلسفی برای حسابداری، پایه عینیت در حسابداری را بین ذهنی دانسته‌اند. متوسلی و رستمیان (۱۳۹۶) از دیدگاه مقابل یعنی ذهنی‌گرایی به موضوع نگریند. نتایج بیانگر آن است که مساله ذهنیت با زمینه نهادی در نظریه‌های اقتصادی نقش مهمی را ایفا می‌کند. همچنین مباحث و متون مربوط به ذهن‌گرایی با نقد رویکردهای مسلط در این حوزه روشن‌تر بیان می‌شوند. همچنین، بادپا (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که عینیت حسابرس به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث حسابرس در تدوین استانداردهای حسابرسی نیازمند سناریوی‌های مختلفی برای اندازه‌گیری هستند.

نتیجه‌گیری

رشته حسابداری ادعا می‌کند که اقدامات حسابداری عینی است. بنابراین، رشته حسابداری تمایل به تشویق روش‌های اندازه‌گیری حسابداری ذهنی دارد با این فرض که بی طرفانه خواهند بود. در پژوهش حاضر، از تحلیل فلسفی دیویدسون برای دفاع از دیدگاه عینیت‌گرایی استفاده می‌شود که گزارش‌های مالی می‌تواند گزارش‌های واقعی از یک جهان عینی در دسترس عموم را ارائه دهد. حسابداری که موضعی فلسفی بازنمایی‌گرا در مورد دانش حسابداری دارد، به مشکلات حسابداری و حقیقت در حسابداری نزدیک خواهد شد. موقعیت ضد بازنمایی‌گرایی از این نظر بهتر است که دیدگاه بالاتری از ماهیت عملکرد حسابداری می‌دهد. اگر جامعه حسابداری بتواند از اطمینان نادرست بازنمای‌گرایی دست بردارد و این دیدگاه پخته‌تر از رابطه بین حساب‌ها و واقعیت را اتخاذ کند، احتمالاً توانایی شناخت و پاسخگویی به منافع و نیاز انسان را دارد. همچنین، دیدگاه‌های ارائه شده توسط فلسفه ضدبازنمای‌گرایی دیویدسون نشان می‌دهند که عینیت می‌تواند بر اساس بین‌ذهنی بنا شود.

دیدگاه ضدبازنمای‌گرایی دیویدسون در مورد عینیت مرتبط با حسابداری بر پایه دیدگاه بین‌ذهنی معرفی می‌شود. موضع ضد بازنمای‌گرایی دیویدسون، وقتی با بازنمایی‌گرایی فیلسوفی مانند جان سرل در تضاد باشد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. شاپیرو (۱۹۹۷) برای بیان دیدگاه اساساً بازنمایی‌گرایانه از پیش‌فرض‌های فلسفی گزارش‌های مالی، از کارهای سرل استفاده کرده است. همچنین، تحلیل شاپیرو برای مقابله با دیدگاه دیویدسون راجع به دانش حسابداری قابل بحث است. سایر نظریه‌پردازان حسابداری، از جمله موک (۲۰۰۴) و ماتسیچ (۲۰۰۳) از کارهای فیلسوفان بازنمایی‌گرا مانند سرل بهره می‌گیرند. شاپیرو اما مبانی فلسفی دیدگاه‌های خود را با صراحت بیان می‌کند و بنابراین با تحلیل خود، تعامل انتقادی را تسهیل می‌کند (شاپیرو، ۱۹۹۷).

حسابداری به عنوان یک زبان به روشن شدن بیشتر دیدگاه ضد بازنمای‌گرایی از حسابداری کمک می‌کند. از کارهای دیویدسون برای به چالش کشیدن این ایده استفاده می‌شود که زبان و به ویژه زبان حسابداری یک رسانه است که از طریق آن به جهان می‌توان نگریند. این ایده در حد افراطی بیان می‌کند که حسابداران واقعیت را از طریق ارائه گزارش‌ها ساخته می‌شود (هینز، ۱۹۸۸). افزون بر این، پیش‌فرض‌های عمل حسابداری مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد. از مسئله سیاستگذاری حسابداری برای زمینه‌سازی تحلیل استفاده می‌شود و بین اهمیت مهم کوتاه‌مدت یا مستقیم

اعتقادات فلسفی و اهمیت طولانی مدت آنها تمایز قائل می‌شود. عمل حسابداری مستقیماً به هیچ پیش فرض فلسفی تکیه نمی‌کند، اما ممکن است در بلندمدت، حسابداری پاسخگوی نیاز انسان باشد اگر بخواهد خود را از مسائل تردیدآمیز فلسفه بازنمایی‌گرایی رها کند (مک کرنان، ۲۰۰۷).

منابع

- ✓ حساس فر، عبدالرزاق، (۱۳۹۲)، تقسیم فلسفه معاصر به تحلیلی و قاره ای. متافیزیک، سال ۴۹، شماره ۱۵، صص ۶۳-۷۶.
- ✓ بادپا، بهروز، (۱۳۹۸)، بررسی شاخص‌های اندازه‌گیری عینیت حسابرس، اولین کنفرانس بین المللی ترفندهای مدرن مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری با رویکرد رشد کسب و کارها.
- ✓ شرف‌الدین، حسین، کوهی، احمد، (۱۳۹۶)، تطورات اصل عینیت‌گرایی و بی طرفی در اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ها، دین و سیاست فرهنگی، شماره هفتم، صص ۹۵-۱۳۰.
- ✓ فروغی، داریوش، رهروی دستجردی، علیرضا، (۱۳۹۸)، معرفی جایگزین‌هایی برای شیوه تفکر در حسابداری: رویکرد انتقادی و تفکر بینابینی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۲، صص ۲۹-۴۴.
- ✓ عبداللهی، محمدعلی، جان محمدی، محمدتقی، (۱۳۸۹)، واقعیت‌های نهادی از دیدگاه جان سرل، متافیزیک، شماره ۲، صص ۱-۲۲.
- ✓ متوسلی، محمود، رستمیان، علی، (۱۳۹۶)، ذهنی‌گرایی، بینادذهنیت و کنش خالق در مکتب اتریشی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۴، صص ۱-۳۲.
- ✓ لاریمی، سیدجعفر، محسنی، ابراهیم، (۱۳۹۳)، تحقیقات تفسیری حسابداری، چالش‌ها و فرصت‌های تحقیق در حسابداری، پژوهش حسابداری، شماره ۱۴.
- ✓ هاشمی، عباس، میرزایی، مهدی، (۱۳۹۵)، باورهای فلسفی گزارشگری مالی، پژوهش حسابداری، دوره ۶، شماره ۱، صص ۸۱-۹۸.
- ✓ Ambrosio, C (2014); Objectivity and Visual Practices in Science and Art, In M. C.
- ✓ Bissell, R. (2015). Where There's a Will, There's a "Why": A Critique of the Objectivist Theory of Volition. The Journal of Ayn Rand Studies, Vol. 15, No. 1.
- ✓ Bourdieu, P. and Wacquant, L.J.D. (1992), An Invitation to Reflexive Sociology, Polity Press, Cambridge.
- ✓ Burns, T. and Stalker, G.M. (1966), The Management of Innovation, 2nd ed., Tavistock Publications, London
- ✓ Chambers, R. J. (1996). Ends, ways, means and conceptual frameworks. Abacus, 32(2), 119-132.
- ✓ Chambers, R.J. (1997) "Wanted: Foundations of Accounting Measurement", Abacus, 34(1): 36-47.
- ✓ Davidson, D. (1983). A coherence theory of truth and knowledge. In D. Henrich (Ed.), Kant oder Hegel (pp. 423-438).
- ✓ Davidson, D. (1986). A nice derangement of epitaphs. In E. Lepore (Ed.), Truth and interpretation: Perspectives on the philosophy of Donald Davidson (pp. 433-446). Oxford:
- ✓ Davidson, D. (1988). The myth of the subjective. In M. Benedikt & R. Burger (Eds.), Bewusstsein, Sprache und die Kunst (pp. 45-54).
- ✓ Davidson, D. (1990). The structure and content of truth. The Journal of Philosophy, LXXXVII(6), 279-328.

- ✓ Davidson, D. (1991). Three varieties of knowledge. In A. Phillips GriYths (Ed.), Royal Institute of Philosophy Supplement (vol. 30). A.J. Ayer: Memorial essays (pp. 153–166).
- ✓ Davidson, D. (1994a). Language philosophy, writing, and reading: A conversation with Donald Davidson, an interview conducted by Thomas Kent. In G. A. Olson (Ed.), *Philosophy*,
- ✓ Davidson, D. (1996). The folly of trying to deWne truth. *The Journal of Philosophy*, XCIII(6), 263–278.
- ✓ Davidson, D. (1997a). Indeterminism and antirealism. In B. Kulp (Ed.), *Realism/antirealism and epistemology* (pp. 109– 122).
- ✓ Davidson, D. (1997b). Seeing through language. In J. Preston (Ed.), *Thought and language* (pp. 15–27). Cambridge: Cambridge University Press.
- ✓ Davidson, D. (1999). Is truth a goal of inquiry: Discussion with Rorty. In U. M. Zeglen (Ed.), *Donald Davidson: Truth, meaning and knowledge* (pp. 17–19). London: Routledge.
- ✓ Davidson, D. (2000). Truth rehabilitated. In R. B. Brandom (Ed.), *Rorty and his critics* (pp. 65–74). Malden, MA: Blackwell.
- ✓ Davis, S., Menon, K., & Morgan, G. (1982). The images that have shaped accounting theory. *Accounting Organizations and Society*, 7(4), 307–318.
- ✓ Financial Accounting Standards Board (1980). Statement of Wnancial accounting concepts no. 2: Qualitative characteristics of accounting information. Stanford: Financial Accounting Standards Board.
- ✓ Gerboth, D. L. (1972). ‘Muddling through’ with the APB. *The Journal of Accountancy*(May), 42–49.
- ✓ Gerboth, D. L. (1973). Research, intuition, and politics in accounting inquiry. *The Accounting Review*, XLVIII(3), 475–482.
- ✓ Green, m. (2011). Objectivism in organization/management knowledge: an example of Bourdieu’s “mutilation”? VOL. 8 NO. 4 2012, pp. 495-510, Q Emerald Group Publishing Limited, ISSN 1747-1117.
- ✓ Hines, R. D. (1988). Financial accounting: In communicating reality we construct reality. *Accounting, Organizations and Society*, 13(3), 251–261.
- ✓ Ijiri, Y. (1975). *Theory of accounting measurement*. Sarasota: American Accounting Association.
- ✓ Ijiri, Y., & Jaedicke, r. (1966). Reliability and Objectivity of Accounting Measurements. *The Accounting Review*, Jul., 1966, Vol. 41, No. 3 (Jul., 1966), pp. 474-483.
- ✓ Kenny, K. (2015). Blaming Deadmen: Causes, Culprits, and Chaos in Accounting for Technological Accidents. *Science, Technology, & Human Values*, July 2015, Vol. 40, No. 4 (July 2015), pp. 539-563.
- ✓ Liang, p. & Zhang, g. (2019). On the Social Value of Accounting Objectivity in Financial
- ✓ Liang, Pierre Jinghong; Zhang, Gaoqing (2019). On the Social Value of Accounting Objectivity in Financial Stability, *Accounting Review*. Jan2019, Vol. 94 Issue 1, p229-248. 20p.
- ✓ Mattessich, R. (2003). Accounting representation and the onion model of reality: A comparison with Baudrillard’s orders of simulacra and his hyperreality. *Accounting, Organizations and Society*, 28, 443–470.
- ✓ McKernan, J, F. (2007). Objectivity in accounting. *Accounting, Organizations and Society* 32. PP 155–180
- ✓ McKernan, J., (2007). Objectivity in accounting. *Accounting, Organizations and Society* 32 (2007) 155–1.
- ✓ Megill, A. (1994). Four senses of objectivity. In A. Megill (Ed.), *Rethinking objectivity* (pp. 1–20). London: Duke University Press.

- ✓ Miriam, G. (2012). Objectivism in organization/management knowledge: an example of Bourdieu's "mutilation"? *Social Responsibility Journal*; Vol. 8, Iss. 4, (2012): 495-510.
- ✓ Morgan, G. (1988). Accounting as reality construction: Towards a new epistemology for accounting practice. *Accounting, Organizations and Society*, 13(5), 477-485.
- ✓ Morgan, G. (1988). Accounting as reality construction: towards a new epistemology for accounting practice. *Accounting, Organizations and Society*, 13, 477-485
- ✓ Mouck, T. (2004). Institutional reality, financial reporting and the rules of the game. *Accounting Organizations and Society*, 29,
- ✓ Mouck, T. (2004). Institutional reality, financial reporting and the rules of the game. *Accounting Organizations and Society*, 29, 525-541.
- ✓ Musmini, L. Yuniarta, G., Sulindawati, N. (2019). Epistemology of Accounting Practices: Another Frames of Objectivity Claims *Advances in Economics, Business and Management Research*, volume 103.
- ✓ Musvoto, S. (2011). Implications Of The Crisis Of Objectivity In Accounting Measurement On The Development Of Finance Theory. *International Business & Economics Research Journal*. Volume 10, Number 2.
- ✓ Musvoto, S. (2011). Implications Of The Crisis Of Objectivity In Accounting Measurement On The Development Of Finance Theory. *International Business & Economics Research Journal*., Volume 10, Number 2.
- ✓ Musvoto, S.W (2008) "Applying the representational theory of measurement to accounting", PhD thesis, University of Pretoria, Pretoria, Viewed yymmdd<<http://upetd.up.ac.za/thesis/available/etd-03282009-125051/>>
- ✓ Nagel, T. (1986). *The view from nowhere*. New York: Oxford University Press.
- ✓ Palliam, R. (2011). Accounting for False Objectivity. *Journal of Finance, Accounting and Management*, 2(2), 1-11.
- ✓ Palliam, R. (2011). Accounting for False Objectivity. *Journal of Finance, Accounting and Management*, 2(2), 1-11.
- ✓ Peters, M. (1995). Constructing objectivism: A response to Robert Nola. *CONTEMPORARY ISSUES IN EDUCATION*. VOL. 13, NO. 2, 72-77.
- ✓ rhetoric, literary criticism: (Inter)views (pp. 9-28) Press.
- ✓ Rorty, R. (1980). *Philosophy and the mirror of nature*. Oxford: Blackwell.
- ✓ Rorty, R. (1986). Pragmatism, Davidson and truth. In E. Lepore (Ed.), *Truth and interpretation: Perspectives on the philosophy of Donald Davidson* (pp. 333-368). Oxford: Blackwell.
- ✓ Rorty, R. (1989). *Contingency, irony, and solidarity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ✓ Ryley, E. (1853). *Experts against Objectivity: Accountants and Actuaries*. here is no manufactory for actuaries where you can get one made to order.
- ✓ Searle, J. (1995). *The construction of social reality*. London: Penguin Books.
- ✓ Searle, J. R. (1993). Rationality and realism, what is at stake? *Daedalus*, 122(4), 55-83.
- ✓ Shapiro, B. (1997). Objectivity, relativism and truth in external financial reporting: What's really at stake in the disputes. *Accounting Organizations and Society*, 22(2), 165-185.
- ✓ Shapiro, B. (1998). Toward a normative model of rational argumentation for critical accounting discussion. *Accounting Organizations and Society*, 23(7), 641-664.
- ✓ Stability. *THE ACCOUNTING REVIEW*, Vol. 94, No. 1.
- ✓ Strawson, P. F. (1950). Truth. *Proceedings of the Aristotelian Society* (Supp. 24), 129-156 Reprinted in G. Pitcher, *Truth* (1964, pp. 32-53). Englewood Cliffs, NJ: Prentice- all.
- ✓ Stuttgart: Klett-Cotta Reprinted in E. Lepore, *Truth and interpretation: Perspectives on the philosophy of Donald*

- ✓ Tinker, A. M. Merino, N. D. & Neimark, M. D. (1982). The normative origins of positive theories: ideology and accounting thought. *Accounting, Organizations and Society*
- ✓ Tinker, T. (1985). *Paper prophets: A social critique of accounting*. London: Holt, Rinehart & Winston.
- ✓ Walker, R.G. and Jones, S. (2003). Measurement: “A way forward”, *Abacus*: 39 (3): 356-374.
- ✓ Willet, R.J. (1988) “An Axiomatic Theory of Accounting Measurement – Part 2”, *Accounting and Business Research*, 19(73): 79-91.
- ✓ Wojdak, j. (1970). Levels of Objectivity in the Accounting Process. *The Accounting Review* , Jan., 1970, Vol. 45, No. 1 (Jan., 1970), pp. 88-97.